

سرمقاله

# از تشدید جنگ تا تلاش های صلح

حفیظ الله ذکی

تشدید جنگ، نا امنی و حملات انتحاری در زمانی که تلاش های صلح افزایش می یابد، به یک نورم تبدیل شده است. هر زمانی که حکومت افغانستان خواسته در راستای صلح گام بردارد، موج جدیدی از حملات انتحاری و نظامی از سوی شورشیان آغاز شده است. تحلیل ها در این زمینه البته همیشه متفاوت بوده است. برخی پاکستان را به دورویی متهم می کنند و توضیح می دهند که این کشور در پشت میز گفتگو یک قسم صحبت می کند؛ ولی در عرصه عمل طوری دیگر رفتار می کند.

بعضی دیگر این گونه حملات را در جهت سبوتاز کردن روند صلح می دانند. این عده معتقد است که شورشیان هنوز آمادگی برای گفتگوهای صلح ندارند و همچنان بر خواسته های قبلی شان تاکید می ورزند. نظر سوم بر این باور است که هدف بسیاری از این حملات صرفا قدرت نمایی است. در پس این تهدیدها و قدرت نمایی ها بیشتر اهداف سیاسی نهفته است. اگر چه تلاش های صلح از ده سال به این طرف به گونه ای جریان داشته است؛ اما از هفت سال به این طرف روند صلح به گونه ای جدیتز ای سوی حکومت افغانستان پی گیری شده و در سه سال اخیر حکومت قبلی تقریبا تمامی فعالیت های حکومت را پوشش می داد.

پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی این روند با شدت و جدیت بیشتری دنبال گردید. سران حکومت معتقد بودند که صلح در مرحله اول باید میان افغانستان و پاکستان برقرار شود. از نظر مقامات حکومتی، سال هاست که جنگ اعلام نشده میان افغانستان و پاکستان جریان دارد و تا زمانی که این دو کشور به جنگ اعلام نشده پایان ندهند، صلح و امنیت در افغانستان ممکن نخواهد شد. از اینرو تمرکز حکومت بر مذاکره و ایجاد فضای دوستانه و قابل اعتماد میان پاکستان و افغانستان بود و دور اول گفتگوهای صلح به ابتکار پاکستان در اسلام آباد در چنین فضایی آغاز شد. شروع این مرحله از گفتگوها بازمه با دو رویداد دیگر پیوند خورد که روند گفتگوهای صلح را به بن بست کشانید: اول: وقوع چندین حمله خونین انتحاری در کابل. دوم: افشای ناگهانی مرگ ملا عمر رهبر گروه طالبان و تعیین رهبری جدید برای این گروه بود که سبب اختلاف و دو دستگی در شورای رهبری این گروه گردید. چنین به نظر می رسد که این قبیل رویدادها بدون دلیل اتفاق نمی افتد. پشت سر این قضایا سازمان ها و حلقه های قدرتمندی هستند که صلح و امنیت در افغانستان را در راستای منافع خودشان نمی دانند.

پس از یکدوره تنش در روابط سیاسی افغانستان و پاکستان حال بارگرم نشیست چهار جانبه صلح به منظور مهندسی نقشه راه صلح و جستجوی منافع و اهداف مشترک در گفتگوهای صلح در اسلام آباد برگزار شد. همزمان با این گفتگوها بازمه ما شاهد تشدید خشونت ها و درگیری ها در افغانستان هستیم.

این حملات نشان می دهد که هدف آن جز ضربه زدن به روند گفتگوهای صلح نیست. حملات انتحاری امسال تنها از سوی گروه طالبان انجام نمی شود، تا بر مبنای خواست و هدف این گروه در مورد تشدید جنگ و خشونت ها تحلیل شود؛ بلکه امروزه داعش از گروه هایی است که قدرت و توانایی خود را در انجام همچو عملاتی در کشور تثبیت کرده است. واضح است که هدف این گروه امتیازگیری های سیاسی نیست؛ بلکه این گروه با اصل مذاکره و گفتگو تحت هر شرایطی مخالف است. مسؤلیت حمله بر قنصلگری پاکستان در ننگرهار را همین گروه به عهده گرفته است و این گروه می خواهد نشان دهد که مذاکرات احتمالی صلح با طالبان و هر گروه دیگر دستاورد واقعی برای تأمین صلح و برقراری امنیت در افغانستان به همراه نخواهد داشت و این گروه توان این را دارد تا مذاکرات صلح را بی ثمر سازد. حال مهم این است که در مذاکرات چهار جانبه علاوه بر مهندسی نقشه راه، حلقه ها و سازمان هایی را شناسایی کنند که در روند گفتگوهای صلح همواره اختلال می کنند. نانی موضع خود را با گروه هایی که از اساس با مذاکرات صلح مخالفند، روشن سازند.

سرانجام نشیست چهارجانبه گفت و گو در مورد روند صلح افغانستان، دوشنبه گذشته در شهر اسلام آباد صورت گرفت. در این نشیست نمایندگان از کشورهای افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین حضور داشتند. هدف اساسی در این نشیست دستیابی به یک «نقشه راه» برای رسیدن به یک صلح واقعی و پایدار تعیین شده است. اما در این نشیست هیچ نماینده ای از گروه های مسلح مخالف بویژه طالبان که علیه دولت افغانستان می جنگند، دعوت نشده و حضور و نداشتند.

معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشور طی نشیست مطبوعاتی در کابل گزارشی را از نتیجه نخستین نشست چهارجانبه صلح افغانستان در اسلام آباد تشریح نمود. وی در این نشیست مطبوعاتی گفت: هدف راه صلح افغانستان این است که جنگ در کشور پایان یابد. براساس نتایج نشست های سه جانبه در گذشته و چهار جانبه در اسلام آباد، همه شرکت کنندگان از رهبری افغانستان در جریان صلح حمایت کردند و تمام روش ها برای مذاکره بین افغانستان و گروه های مخالف بررسی شد. معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشور در ادامه افزود: کسانی که در روند صلح آینده حاضر نشوند از تمام امکانات موجود علیه آن ها استفاده خواهد شد.

معاون وزیر خارجه کشور در مورد چگونگی حضور نمایندگان مخالفین مسلح بخصوص طالبان افزود: خشونت در افغانستان ابعاد منطقه ای و فرا منطقه ای دارد و باید به صورت مشترک در مورد آن اقداماتی انجام شود و بر همین اساس شرکت کنندگان نشست چهارجانبه در مورد نحوه مذاکره با گروه های طالبان بر حاکمیت ملی و تمامیت ارزی کشور تاکید کردند و بر آغاز بی درنگ گفت و گوهای صلح میان گروه های طالبان و حکومت افغانستان نیز تصریح کردند. بسا معاون وزیر خارجه کشور در مورد حضور نماینده کشورهای امریکا و چین افزود: ما برای حضور چین در روند مذاکرات صلح افغانستان دو شرط تعیین کردیم: یکی اینکه کابل اطمینان حاصل کند که بکن در این روند نقشی دارد و دوم اینکه این کشور در گفت و گوهای مذاکره به عنوان ناظر حضور داشته باشد. در پایان وی افزود

که نشست بعدی این مذاکرات چهارجانبه هفته آینده در کابل برگزار خواهد شد. او تاکید ورزید که در نشست کابل نقشه دقیق «راه صلح» از سوی شرکت کنندگان پیش کش گردیده و به بحث گرفته خواهد شد. پیش از بحث روی موضوع و ارزیابی نشست چهارجانبه باید تاکید ورزید که مسئله صلح یک ضرورت اجتناب ناپذیر و جدی برای افغانستان و منطقه است. بدین جهت موضوع مذاکره و صلح با مخالفین، بویژه طالبان که نیروی عمده مخالفین حکومت افغانستان را تشکیل میدهند، و از چالش های عمده منطقه شمار می آید از مدت ها بدین سوی است که بر روی میز کار قرار داشته است. واقعیت امر آن است که افغانستان و همه کشورهای آسیب پذیر از ادامه جنگ و بحران یادشده اگر بخواهند به زندگی خود ادامه دهند چاره ای ندارد جز اینکه به صلح و مصالحه روی آورند. درغیر این صورت نه تنها افغانستان هر روز بیشتر در باتلاق مرگ فرو خواهد رفت، بسا که همسایگان و منطقه را نیز بگونه ای در محاصرت خود دچار خواهد ساخت.

حالی پرسش اساسی این است که چه انتظارات و توقعاتی از نشیست چهارجانبه واقع دست یابی به صلح و پیش کش نمودن «نقشه راه صلح» می توان داشت؟ آیا ادامه این نشست است که در صورت فرستادن شرکت کنندگان از مجاری

عبدالله هروی



ترحقق خواهد بخشید؟ حقیقت قضیه آنست که تجارب گذشته در مورد مسئله گفتگو درباره صلح چندان خوشایند نبوده و از این کشور بخواهند که طالبان را از وجود دارد. اما اینک در ارتباط با نشست چهارجانبه گفتگوی صلح هرچند مردم ما بسپادگی نمی توانند تجارب تلخ و ناکام گذشته را نادیده بگیرند، اما با توجه به برخی علایم و نشانه ها از این نشست و گفتگوها استقبال می نمایند. ورود چین به مذاکرات صلح و انجسام دیدارهایی با مقامات پاکستانی و افغانستان در این خصوص، و نیز حضور جدی تر نمایندگان امریکا در این نشست، وضعیت و چشم انداز این نشست را متفاوت تر و مهم تر از گذشته به نمایش می گذارد. مسئله ای دیگر که شایان ذکر می باشد این است که نقش و تلاش ها به هدف دست یابی که مقامات کشور و هیئت شرکت کننده افغانستان در مذاکرات بیان داشته است در چگونگی این روند می تواند بسیار موثر واقع گردد. به تعبیری دیگر از آن جایی که همه تلاش ها به هدف دست یابی به صلح و نتیجه بخش بودن مذاکره در آغاز و پایان معطوف به سیاست و اراده حکومت پاکستان تعلق گرفته است، این امیدواری و انتظار جدی وجود دارد که از بسا که به معنای از دست رفتن فرصت تلقی گردد. شاید از جهانی کشور های که

مختلف حکومت پاکستان را قانع و وادار سازند که به گونه جدی مسئله صلح و گفتگو را مورد توجه و اهتمام قرار دهد و از این کشور بخواهند که طالبان را از جنگ باز داشته و به پای میز مذاکره و صلح بکشانند. در ادامه این موضوع باید افزود علاوه بر این که این انتظار و جود دارد که خود پاکستان با جدیت و قاطعیت در روند یاد شده نقش خود را ایفا نماید از کشورهای شرکت کننده نیز انتظار برده می شود ففسارهای لازم را بر اسلام وارد سازند و از تمامی روش ها و منطق موجود برای دست یابی به هدف یادشده کاریگیرند و نسبت به روند صلح و گفتگو برخورد مقطعی و ایزاری صورت نگیرد. به صورت روشن می خواهد که چین و امریکا نقش کلیدی در گفت و گوهای صلح بازی کنند و از ظرفیت ها و امکانات خود برای ایجاد فضای اعتماد میان گروه های مختلف استفاده نمایند. بدین جهت تاکید می گردد که حرکت های مقطعی و کند که وضعیت را در هاله ای از ابهام قرار می دهد نه تنها به نتایج مشخص منجر نخواهد شد بسا که به معنای از دست رفتن فرصت تلقی گردد. شاید از جهانی کشور های که

## توسعه فرهنگی

محمد تابش/ قسمت پنجم و پایانی

به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد، تا از این طریق ایده ها، افکار، و آداب و رسوم ملی - بومی جامعه خود را در قالب ارتباطات نمادین فرهنگی و نشانه های ملی و بومی در عصر حاضر همیای سایر فرهنگ جامع موثر در جهان اشاعه دهد. - شریبتیان، تأمل بر ضرورت مبانی توسعه فرهنگی و اهمیت آن در جامعه ایران)

فرهنگی و سرمایه فرهنگی در هر جامعه ای سرمایه فرهنگی هر فردی که ارتقاء یابد کمک موثری بر بسط توسعه فرهنگی داشته است. سرمایه فرهنگی به نظر پیور بودیو به سه شکل وجود دارد. ۱- در حالت متجسد، یعنی به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی، ۲- در حالت عینیت یافتگی به شکل کالاهای فرهنگی( در قالب کتب، تصاویر، لغت نامه، ادوات و ماشین آلات و...) ۳- در حالت نهادینه شده، چون مدارک تحصیلی و سایر مدارک تخصصی که ضمانت کننده سرمایه فرد است. بودیو توسعه فرهنگی از طریق حالت متجسد به دنبال اشاعه و بسط رفتارها و شیوه های تربیتی که در یک فرهنگ وجود دارد، تجسد می بخشند، و به صورت جزئی از کالبد در آمدن، به کالبد پیوستن از جزئیات آن شدن است. این فرایند را باید اکتسابی در جامعه در نظر داشت، در حالت عینیت یافتگی باید به اشیای مادی، و رساله های تاریخی، ابزارها، و غیره که عینیت دارند، توجه کرد؛ در این حالت کالاهای فرهنگی را می توان هم به طور مادی به تملک در آورد، که مستلزم سرمایه اقتصادی است و هم به طور نمادین که مستلزم سرمایه فرهنگی است. در حالت نهادینه شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی فرهنگی است. در حالت نهادینه شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی فرهنگی است. در حالت نهادینه شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی فرهنگی است. در حالت نهادینه شده، سرمایه فرهنگی به شکل و مدارج آموزشی فرهنگی است.

سیاست فرهنگی مرتبط با توسعه فرهنگی در دو بعد قابل بررسی است، سیاست فرهنگی سنتی، به افزایش جذب فرهنگ به وسیله طبقات فریخته توجه می کند، این به خودی خود خوب است، اما هدف این سیاست افزایش شناخت جهانی از میراث فرهنگی است که ارزش های نخبگان و تاریخ جامعه را بیان می کند، این یک واقعیت است که مردم به فرهنگ سنتی به میزان اندک توجه دارند و از تجهیزات گروهی چون (موزه و کتابخانه و...) استفاده می کنند. سیاست فرهنگی جدید در ارتباط با توسعه فرهنگی « مبتنی بر یادگیری است که خود اساسا از تحصیل آموزش های تخصصی ترکیب می گردد. در این نوع سیاست، توسعه فرهنگی فرهنگ مجموعه ای از نشانه های است که آدمی از طریق آن ها به تعیین وضع خویش در جهان می پردازد و بنا به

نیاز، استعداد و قابلیتش در آن غوطه می خورد، تا خود را بیان کند. توسعه فرهنگی در تحلیل نهایی بستگی دارد به غنی کردن و شکل دادن فرهنگ شخصی هر فرد به نحوی که او قادر سازد فرهنگ خود را بیان کند و فرهنگ خود را تولید کند.» (پهلوان: ۱۳۸۱: ۲۰)

با توجه به اینکه امروزه تمام جوامع تحت تأثیر فرایند این جهانی شدن قرار گرفته اند و همین پیامد باعث این شده که کشور ها در عرصه های گسترده بین المللی حضوری جدی تر و رقابت پرنگ تری را داشته باشند؛ بسیاری از کشورها به برنامه ریزی جدی برای توسعه توانمندی ها و ظرفیت های فرهنگی خود نیاز خود برای پیروزی و درخشش در عرصه های مختلف پرداخته اند؛ در این راستا برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای مختلف با این سیاست ها در روندهای فرهنگ جهانی الزامات توسعه پایدار علی الخصوص توسعه فرهنگی را بررسی و شناسایی باید بکنند.

امروزه مقوله ای که به صورت شفاف و برجسته توجه مدیران و محققان را به خود جلب کرده، مرور اهمیت به فرهنگ و اولویت توسعه فرهنگی است. بسیاری از کشورها درحال توسعه برای بهره مندی از مواهب طبیعت و توانمندی های صنعتی و توسعه ای به عنوان شایستگی های محوری و کلیدی خود باید فرهنگی را به عنوان بستر و زیر ساخت های اصلی جامعه و سیاست های خود در نظر گیرند، پس به طور کلی می توان گفت که روند توجه و تلاش معطوف به سیاست گذاری ها در بسیاری از کشورهای مختلف جهان در تلاش برای ایجاد توسعه فرهنگی، روند جهانی است که البته، بنابر اوضاع اجتماعی و سیاسی محلی در هر کشور، شکل متفاوتی به خود می گیرد. برای اینکه سیاست گذاری فرهنگی در بعد ایجابی به مسیر توسعه فرهنگی جامعه شتاب بخشد، بویا باشد، براساس خرده نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نوعی بسته هنجاری را می توان از طریق نظام آموزش رسمی در میان اعضای جامعه اشاعه داد؛ بر این اساس در خرده نظام اقتصادی باید در جهت «کار و تلاش، صرفه جویی، امانتداری، وقت شناسی و...» را آموزش فرهنگی داد. در بعد سیاسی «پاسخگویی، مسئولیت پذیری، انصاف، مشارکت سیاسی و هدف داری و...» مدنظر باشد؛ در بعد اجتماعی «بردباری، تسامح، رعایت حقوق انسانی، مشارکت اجتماعی، صداقت و حقیقت جویی» باید آموخته شود؛ و در حوزه فرهنگی، «احسان، وفاداری، تعاون، و درگرو خواهی عام، اعتماد و...» باید در جامعه ترویج یابد. (omid.com)

خاص اشاره می کند. عیارت فرهنگ در بعد عمومی نشأت گرفته از همان اندیشه تایلر است که «فرهنگ را مجموعه ای از توانایی ها، شناخت، باورها، اشیای، فنون، و هنرها، و قوانین می داندند که هر انسانی از جامعه ای که در آن عضو است، دریافت می کند.» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۲۴۵) این تعریف قابل نقد بوده است، اما کسی نتوانسته است که آن را رد کند. در بعد تاریخی فرهنگ به عنوان یک میراث انسانی - اجتماعی و سنتی مورد توجه قرار گرفته است؛ که نسل به نسل آن را توسعه داده اند، و به سایر نسل ها اشاعه و انتقال داده شده است. در بعد رفتاری فرهنگ را باید یکسری از رفتارهای مشترک نشأت گرفته از هنجارها و ارزش های جامعه دانست که افراد جامعه از همان کودکی به آموزش و یادگیری آن پرداخته اند، و در قالب فرایند اجتماعی شدن می توان آن را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. فرهنگ در قالب ارزشی اشاره به مجموعه ای از ارزش های جامعه و ضوابط اجتماعی می کند؛ که باید در یک جامعه برای رسیدن به سعادت و توسعه افراد آن را به کار برد. از بعد کارکردگرایی این پدیده را مجموعه ای از فنون و روش هایی باید دانست که در پاسخ به نیازها افراد خود را با ساختار جامعه تطبیق می دهد، لذا بتواند جامعه و زندگی خود را توسعه دهند؛ از بعد نمادین و ذهنی فرهنگ مجموعه ای از پنداره ها و ایده ها، افکار، عادات و... تعریف شده، که سبب امکان کنترل گرایز انسان می گردد؛ و نقش انسانی را ایفا می کند. در بعد نمادین فرهنگ مجموعه از معانی و نمادهای قراردادی است، که به صورت قراردادی در یک جامعه مورد توجه قرار می گیرد، از بعد ساختاری فرهنگ مجموعه ای از نمادها و ایده ها، اشیاء و... است، که در یک ارتباط ساختاری فرهنگ یک جامعه را توسعه می دهند.

در واقع ترکیب توسعه و فرهنگ در جامعه و در بخشی از اندیشه های ای علوم انسانی به نام «توسعه فرهنگی» به دنبال این است که با توجه به فرایند مدرنیته و مدرنیزاسیون با یک رویکرد درونی و بومی و بهره مندی از پیامدهای موثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش های ملی و محلی فرهنگ جامعه خود پردازد، و با توجه به اهمیت به نگرش های ملی و محلی از خلاقیت های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود دردیانی حاضر بهره برد؛ و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشأت گرفته از ارزش های بومی و ملی است پردازد، تا توسعه فرهنگ خود را جهانی نماید. توسعه فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتوربست: خالق علی زاده

- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه  
**افغانستان**  
The Daily Afghanistan  
Daily  
**Outlook**  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine